

سورة الاحقاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ
بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ
فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِنَا وَحَافِظًا
وَفَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا
حَوَسِبُكَ كِنَةَ أَرْضِكَ طَوْعًا
وَمُنْعًا فِيهَا طَوِيلًا

استفتاءات احكام اعتكاف

به ضميمه اعمال و
آداب
اعتكاف در ماه رجب

مطابق با فتاواي مرجع عاليقدر
حضرت آيت الله العظمي صانعي
(مدظله العالي)



انتشارات فقه الثقلین
قم: خیابان شهید محمد منتظری / ک ۲۲ / پ
۱۲۵

ص پ: ۹۶۷ - ۳۷۱۸۵
تلفن: ۸ - ۷۸۳۵۱۰۱ - تلفکس: ۷۸۳۵۱۰۹
(۰۲۵۱)

www.feqh.org

استفتائات احکام اعتکاف

(به ضمیمه اعمال و آداب اعتکاف در ماه

رجب)

مطابق با فتاوای مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی صانعی (مدظله

العالی)

تدوین: مؤسسه فرهنگی - هنری

فقه الثقلین

طراح جلد و صفحه آرا: مرتضی فتح‌اللهی

لیتوگرافی و چاپ: کوثر / شمارگان:

۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: سوم - بهار ۱۳۹۰ / بها:

۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۸ - ۰۹ - ۵۲۸۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

مراکز پخش:

فروشگاه اینترنتی کتاب: www.sababook.ir

پخش کتاب دریای دانش: تهران، خیابان

انقلاب، خ فخر رازی، کوی فاتحی داریان،

پلاک ۱۴

تلفن: ۷ - ۶۶۹۷۷۹۶۴ (۰۲۱) همراه: ۵۸۰۰

۰۹۱۲ ۱۷۲

فهرست مطالب

مقدمه ۷



بخش اول

در احکام اعتکاف / ۱۶

شرایط و احکام اعتکاف ۱۶

نیت اعتکاف ۱۸

مدت اعتکاف ۲۱

روزه گرفتن در اعتکاف ۲۳

مکان اعتکاف ۲۶

اعتکاف در مساجد ۲۹

خروج معتکف از مسجد ۳۲

انصراف از اعتکاف ۴۱

محرمات اعتکاف ۴۲



بخش دوم
در فضیلت ایام البیض و اعمال
و آداب اعتکاف / ۵۳

فضیلت ماه رجب و لیالی بیض ۵۳
اما اعمال وارده در لیالی

بیض: ۵۴

سبب نامگذاری «عمل امّ داود» ۶۳

کیفیت «عمل امّ داود»: ۶۶

دعای «امّ داود»: ۶۸

مقدمه

(وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ
لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ)

«و ما به سوي ابراهيم و
اسماعيل وحي فرستاديم
که: خانه ي مرا براي طواف
کنندگان و معتکفان و
رکوع و سجده کنندگان پاک
و پاکیزه سازيد».

ماه رجب اولین ماه از فصل
عبادت و نیایش به درگاه
خداوند تعالی است. در این
ماه با بندگی و سرسپردگی و
تسویه نفس در پیشگاه آستان
قدس الهی، بارقه های امید و
عفو و رحمت خداوندی در
شب های قدر ماه مبارک رمضان
و درک آن شبها و به دست
آوردن ثواب هزار ماه در
انسان زنده می شود.

ماه رجب، ماه ولایت و ولادت
 «باب علم»^۱ رسول خداست. ماه
 پاداش گرفتن از خوشه های پر
 برکت خرمن سایه سار امامت
 مولای متقیان امام علی^ع است.
 ماه تمسک و مودت به خاندان
 اهل بیت عصمت و طهارت^ع است.
 ماه رجب، ماه خدا و ماه
 پیمودن پله های سلوک و تقرب
 به خداست، ماه اعتکاف و راز
 و دعاست. آدمی با حضور در
 صحن و سرای خالق مهربان،
 طهارت و معرفت را در شبستان
 و جود خود تمرین می دهد و
 زنگارهای گناه و آلودگی را
 از آینه جان خود می زداید.
 معتکف حضورش در مسجد، و
 روزه و نماز و نیایشش مایه
 قرب و وصال به خداست. معتکف
 با اعتکاف و مصمم شدن بر
 حضور خود در خانه ی دوست،
 جسم و جان خود را پرورش

۱ . قال رسول الله^ﷺ: «أنا مدينة العلم و
 علي بابها و هل تدخل المدينة الا
 من بابها؟» بحار الأنوار، ج ۱۰،
 ص ۱۲۰.

می‌دهد، آن جان آدمی که در
ابعاد وجودی انسان به دنبال
کمال و سعادت است.

«الهي هب لي كمال الانقطاع اليك»؛

خدایا به من نهایت
بریدگی از غیر خودت را
هدیه نما.»

شیرینی و زیبایی این کمال،
نشستن بر سر سفره‌ای است که
از مغفرت و بخشایش الهی
گسترده شده و عاشقان کوی
دوست از این سفره‌ی پر فیض
مع بود خود لقمه‌های راز و
نیاز برچینند و خود را از
ژرفای معنویت و تقرب به
پروردگار خویش بهره‌مند
نمایند.

اعتکاف آمیزه‌ای از چندین
عبادت با فضیلت است. ترکیب
اعمال و اذکار عبادی در
حداقل سه روز اقامت در مسجد
به گونه‌ای همه‌ی شرایط تمرین
بندگی و جهاد با نفس را در
انسان به وجود آورده که دل

بریدگی و غفلت زدایی و صیقل
روح و روان و پالایش خُلوص و
نردبان صعود و قطع تعلقات و
دلبستگی دنیوی بهترین
ارمغان آن است.

اعتکاف محو خودخواهی در
امواج بلند خداگرایی است.
اعتکاف عهد موَدّت و میثاق
مجدّد با پروردگار رحمن و
رحیم است. اعتکاف گرچه
عبادتی مستحبی و داوطلبانه
است اما فرصتی است برای
گریز از لذایذ دنیا و مهار
نفس برای بازگشت به خویشتن
و تقرّب جستن به حضرت حق و
روی آوردن به سمت و سوی قلب
و قبله خداوند هستی.

بدون شکّ - با توجه به آیه
شریفه سوره بقره - اعتکاف
یکی از سنت‌های الهی است که
در شریعت حضرت ابراهیمؑ از
مناسک و عبادات الهی محسوب
می‌شد و اُمت ابراهیمی هم
بدان اهتمام می‌ورزیدند، و
لذا حضرت ابراهیم و فرزندش
اسماعیلؑ از طرف خداوند موظف

شدند تا محیط امن خانه الهی را برای برپایی چنین مراسمی مهیّا سازند. در عین حال، اهمیت و ارزش و بزرگی این امر زمانی روشن تر خواهد شد که آیه شریفه «اعتکاف کذندگان» را در کنار «طواف کنندگان» و «رکوع و سجده کنندگان» قرار داده است: **(الطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ)** بنابراین، حضرت دوست با این بیان بر عظمت و ویژگی اعتکاف در پیشگاه خود گواهی داده است.

از اینجاست که بزرگانی چون مقدّس اردبیلی^۱ در شرافت و فضیلت اعتکاف می‌فرماید: «مبادا کسی گمان کند اعتکاف مقدّمه عباداتی دیگر است، بلکه کسی که با طهارت و در حال روزه در مسجد مقیم می‌شود و قصد قربت را در اعتکاف نیت می‌کند این عمل خود عبادت است»^۱.

۱ . مجمع الفائدة، ج ۵، ص ۳۵۱.

همچنین از آیات قرآن مجید استفاده می شود که: حضرت موسی^ع در خلوتگاه کوه طور و حضرت زکریا در بیت المقدس و حضرت مریم نیز که در کفالت حضرت زکریا بوده است در همان مکان اعتکاف می کردند و به راز و نیاز با پروردگار خویش مشغول می شدند.

علامه طباطبایی^ع در ذیل آیات ۱۶ و ۱۷ سوره مریم

۱. آیة ۳۷ سوره آل عمران می فرماید: [وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ]؛ «[خداوند] و کفالت او [مریم] را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده ای؟ گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس که بخواهد، بی حساب روزی می دهد».

۲. [وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا] «۱۶» فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا «۱۷»؛ «و در این کتاب، مریم را یاد کن، آن

می‌فرماید: «گویا مقصود از دوری مریم از مردم، بریدن آنان و روی آوردن به اعتکاف برای عبادت بوده است.»^۱

اجداد و نیاکان پیامبر اسلام^ﷺ که از پیروان دین حنیف ابراهیم خلیل حق بودند اماکنی را برای خلوت و به دور از مردم برگزیده و به اعتکاف می‌پرداختند و پیامبر^ﷺ نیز بر همین روش قبل از بعثت در غار حراء در خلوت خویش معتکف می‌شد و به عبادت و راز و دعا با خدای خویش مشغول می‌گشت.

بعد از بعثت هم رسول خدا^ﷺ در طول سال، ایّامی را برای اعتکاف در مسجد به سر

هنگام که از خانواده‌اش جدا شد، و در ناحیه‌ی شرقی [بیت‌المقدس] قرار گرفت؛ و در میان خود و آنان حجابی افکند [تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد] در این هنگام، ما روح خود را به سوی او فرستادیم، و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد.»

۱. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۴ به بعد.

می‌بردند و ائمه طاهرین^{علیهم‌السلام} نیز علاوه بر خود، مؤمنین را هم به اعتکاف در مساجد ترغیب می‌نمودند.

باشد که ما نیز از سفره‌ی فیوضات الهی مخصوصاً در ماه رجب (ماه خدا) و شعبان (ماه رسول خدا) و رمضان (ماه اُمت رسول خدا) بهره‌مند باشیم و ایزد متعال را بر توفیق استفاده و دریافت از این عبودیت و معنویت سپاس و ثناء گوئیم.

مجموعه حاضر به منظور دسترسی سریع و آسان معتکفین و سالکان طریقت ب‌ندگی، در دو بخش مرتبط به هم در واحد مطالعات و تحقیقات مؤسسه فرهنگی فقه‌الثقلین تدوین گشته است:

بخش اول: در استفتائات مسایل و احکام اعتکاف است که مقلدین مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی صانعی مدظله‌العالی از محضر مبارک معظم له داشته‌اند و

واحد پاسخگویی به استفتائات دفتر معظم له، مطابق با فتاویٰ فقیه اهل بیت عصمت و آنها را تنظیم نموده تا مورد استفاده معتکفان قرار گیرد.

بخش دوم: در فضیلت ایام البیض (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه رجب) و ذکر آداب و اذکار اعتکاف است.

و الحمد لله و له الشکر
مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

بخش اول در احکام اعتکاف

استفتائات احکام اعتکاف از محضر
فقیه عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی صانعی
مدظله

شرایط و احکام اعتکاف

(س) شرایط صحیح بودن اعتکاف
چیست؟

ج - شرط صحّت اعتکاف

عبارت است از:

۱ - عقل؛

۲ - نیّت؛

۳ - روزه گرفتن در ایام

اعتکاف؛

۴ - کمتر از سه روز

نباشد و سه روز هم از

طلوع فجر روز اوّل تا

غروب آفتاب روز سوم محقق

می‌شود؛

۵ — در یکی از مساجد
اربعمه باشم،
(مسجد الحرام، مسجد
النبی، مسجد کوفه، مسجد
بصره) و در غیر این
مساجد باید بقصد رجا و
امید ثواب و احتمال
استحباب معتکف شود؛

۶ — اذن کسی که اذنش
معتبر است، مانند مستأجر
به نسبت به اجیر خاصش؛

۷ — مانند تمام ایام
اعتکاف در مسجد و خارج
نشدن از مسجد، مگر برای
ضرورت و کارهای مطلوب و
مرغوب شرعی.

(س۲) آیا «ایمان» از شرایط
اعتکاف است یا «اسلام»؟

ج — اسلام کفایت می‌کند.

(س۳) آیا در اعتکاف شرط بلوغ لازم
است یا خیر؟

ج — بلوغ شرط صحت اعتکاف
نیست. بنابر این اعتکاف

غیر بالغ ممیّز صحیح
می‌باشد.

(۴س) آیا اعتکاف کودک ممیّز صحیح
است؟

ج — اقوی صحت اعتکاف
کودک ممیّز است.

نیّت اعتکاف

(۵س) آیا در اعتکاف نیازی به قصد
نمودن عبادات دیگر (علاوه بر نیّت
اعتکاف) هم هست؟

ج — آنچه برای اعتکاف
شرط است نیّت کردن خود
اعتکاف است.

(۶س) آیا در اعتکاف واجب و
مستحب، قصد وجوب یا استحباب لازم
است؟

ج — همین که نیّت اعتکاف
می‌کند کفایت می‌کند، بلکه
نیّت وجوب برای اعتکاف
معنا ندارد.

(۷س) اگر از روی اشتباه برای
اعتکاف واجب، نیّت استحباب نماید
(یا بالعکس) تکلیف چیست؟

ج — ضرري به اعتكاف
نمي‌زند و صحيح است.
(۸س) آیا تجديد نيّت در روز سوم
اعتكاف مستحب، لازم است؟

ج — تجديد نيّت لازم نيست،
اگر چه بهتر آن است که
در روز سوم، نيّت را
تجديد کند.

(۹س) زمان نيّت اعتكاف چه وقتي
مي‌باشد؟ آیا اول شب مي‌توان نيّت
کرد؟

ج — وقت نيّت، قبل از فجر
است، و امّا اگر از اول
شب هم اعتكاف را شروع
مي‌کند مي‌تواند نيّت کند.

(۱۰س) بهترين وقت اعتكاف در
روايات وارده دهه آخر رمضان است
و اين که مرسوم شده در «ايّام
البيّض» شهر رجب، عده‌اي اعتكاف
مي‌نمايند، تا چه حد در روايات و
اخبار، وارد شده است؟ آیا «ايّام
البيّض» ماه رجب، خصوصيتي دارد؟

ج — در روايات ديگر نسبت
به «أشهر حُرْم» هم آمده و
رجب هم از «أشهر حُرْم»

است، و «ایام البیض» رجب
برای اعتکاف، خصوصیت
ندارد.

(س۱۱) اعتکاف در چه موقعی واجب و
چه موقعی مستحب است (موارد وجوب
و استحباب)؟

ج - اعتکاف به خودی خود
مستحب است؛ و به خاطر
مواردی چون نذر و عهد و
قسم و اجاره و غیر آنها
واجب می‌شود.

(س۱۲) مستحبات اعتکاف چیست؟

ج - عبادت، دعا و ذکر
است.

(س۱۳) آیا اعتکاف را به نیابت از
کسی که مرده است و یا به نیابت
از کسی که زنده است می‌توان انجام
داد؟

ج - آری می‌توان.

(س۱۴) آیا زنها می‌توانند
معتکف شوند؟ اگر در روزهای
عادت، قرص بخورند تا از حالت
عادت خارج شده و روزه آنها
صحیح باشد و معتکف شوند چه
صورت دارد؟

ج - فی حدّ نفسه مانعی

ندارد.

(س۱۵) آیا زن باید برای اعتکاف از شوهرش اجازه بگیرد؟ اگر معتکف شدن او با حق شوهر منافات نداشته باشد چگونه؟

ج - اگر منافات با حق استمتاع شوهر داشته باشد باید از شوهر اجازه بگیرد.

(س۱۶) آیا فرزند باید برای اعتکاف از والدین خود اجازه بگیرد؟ اگر معتکف شدن او موجب اذیت و آزار یا زحمت آنها باشد چگونه؟

ج - اگر مستلزم اذیت و آزار آنها باشد؛ باید اجازه بگیرد و الا اذن آنها معتبر نیست.

مدت اعتکاف

(س۱۷) آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد به طوری که آن زیاده، بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب باشد؟

ج - مانعی ندارد؛ اما
اگر پنج روز شد، روز ششم
واجب است و همین طور هر
دو روز که گذشت روز سوم
واجب می‌شود.

(س ۱۸) آیا نذر اعتکاف کمتر از سه
روز و همچنین نذر اعتکاف معینی
که روز سوم آن عید قربان یا عید
فطر باشد منعقد می‌شود؟

ج - منعقد نمی‌شود و
اعتکاف کمتر از سه روز
باطل است.

(س ۱۹) منظور از روز در اعتکاف
چيست؟ آیا پایان روز، غروب آفتاب
است یا مغرب؟

ج - وقت مغرب، همان غروب
عرفی است که خورشید غروب
می‌کند. بنابراین با
استتار قرص خورشید، مغرب
محقق شده و روز تمام
می‌شود.

(س ۲۰) اگر کسی نذر کند سه روز
منفصل اعتکاف کند، آیا نذرش
منعقد می‌شود؟

ج - چون از شرایط

اعتكاف، اتصال ایام است
 بنا براین، نذر منعقد
 نمی‌شود.
 (س ۲۱) آیا در تحقق اعتكاف، سه
 روز ناپیوسته كافي است؟
 ج - كفايت نمی‌کند و باید
 حدّ اقل سه روز پی در پی
 باشد.

روزه گرفتن در اعتكاف

(س ۲۲) الف - آیا هرگونه روزه ولو
 استیجاری و... برای اعتكاف كافي
 است؟
 ب - اگر شخصی نذر کند که در ایام
 معیني معتكف شود؛ آیا می‌تواند در
 همان ایام، روزه نذري یا
 استیجاری را که بر عهده او
 می‌باشد در همان اعتكاف به جا
 آورد؟ اگر نذر اعتكاف بدین گونه
 بوده است که روزه برای اعتكاف یا
 به خاطر اعتكاف باشد آیا كفايت
 از روزه نذري یا اجاره‌اي می‌کند؟
 ج - الف - آری كفايت
 می‌کند و آنچه در اعتكاف
 معتبر است گرفتن روزه در

ایام اعتکاف است نه روزه
برای اعتکاف.

ج - ب - آری می‌تواند،
اما اگر اعتکاف را نذر
کرده باشد - با این قصد
که روزه برای اعتکاف
باشد - کفایت از نذر و
اجاره نمی‌کند.

(س ۲۳) آیا اعتکاف مسافر صحیح
است؟

ج - چون یکی از شرایط
صحت اعتکاف گرفتن روزه
می‌باشد، بنابراین اگر
بتواند در سفر روزه
بگیرد؛ مثل این که نذر
کرده باشد که روزهای
مشخصی را در سفر روزه
بگیرد، اعتکاف صحیح
می‌باشد؛ چون اعتکاف در
سفر همانند حضر صحیح
است.

(س ۲۴) آیا نذر روزه در سفر جهت
صحت اعتکاف، نذر اعتکاف هم حساب
می‌شود که اعتکاف واجب عینی شود

یا خیر؟

ج - نذر روزه در اعتکاف، نذر اعتکاف نیست. بنابراین، اگر تخلف نمود، کفاره حنث نذر روزه را باید بپردازد و روزه آن را اگر معین بوده، باید قضا نماید. (س ۲۵) آیا انسان می‌تواند نذر کند که در سفر روزه بگیرد؟

ج - آری می‌تواند. (س ۲۶) کسی که نذر کرده است که در «ایام البیض»، در مسجدی خاص معتکف شود، آیا با فرض مسافر بودن او و این که نذر کرده که در صورت مسافر بودن هم روزه بگیرد، آیا نذرش منعقد شده است یا خیر؟ آیا درحالی که مسافر است اعتکافش صحیح است؟

ج - نذر روزه مستحبی در سفر اگر به قید سفر باشد، صحیح است؛ یعنی این که نذر کرده که «ایام البیض» رجب را در سفر روزه بگیرد؛ و در

مورد اعتکاف همین قدر که
بتواند در سفر روزه
بگیرد اعتکافش هم درست
می شود؛ چون اعتکاف در
سفر همانند حَضَر، صحیح
است.

(س ۲۷) شخصی برای درک فضیلت
اعتکاف در مشهد مقدّس، بعد از
رسیدن به مشهد و بدون قصد اقامت،
نذر کرده سه روز روزه بگیرد، آیا
چنین نذری صحیح است؟

ج — از این حیث نذرش
صحیح است.

مکان اعتکاف

(س ۲۸) آیا انسان می تواند نذر کند
که در شهر دیگری معتکف شود؟

ج — با فرض مطلوبیّت
مانعی ندارد.

(س ۲۹) آیا اعتکاف کسی که جای شخص
دیگری را غصب کرده یا عمداً بر
فرش غصبی نشسته، صحیح است؟

ج — اعتکاف با عوض کردن
محلّ — بر فرض بطلان آن با

غصبیت محلّ قبلی در مسجد
– صحیح است گرچه مرتکب
تضییع حقّ و غصب شده
باشد.

(س۳۰) اگر آجر و خاک مسجد یا
لباس معتکف غصبی باشد، اعتکاف چه
حکمی دارد؟

ج – اعتکاف صحیح است،
اگر چه چنین فرضی برای
مسجد که مورد توجه
مؤمنین بزرگوار است بعید
می‌باشد.

(س۳۱) اگر جای کسی را که معتکف
بوده غصب کند، فرموده‌اند اعتکاف
او باطل است، حال اگر جاهل بود
یا عامد بود ولی حال پشیمان شده
و جای خود را عوض کند، اعتکاف او
صحیح است یا خیر؟ در صورت عمد
آیا کفّاره هم دارد یا خیر؟ اگر
کسی را که زودتر از او وارد مسجد
شده، بیرون کند و جایش را بگیرد،
اعتکافش صحیح است یا نه؟

ج – اعتکاف با عوض کردن
محلّ – بر فرض بطلان آن با
غصبیت محلّ قبلی در مسجد

– صحیح است گر چه مرتکب
تضییع حقّ و غضب شده
باشد.

(س۳۲) آیا گذاشتن وسایل یا نوشتن
نام و امثال آن موجب سبقت در
محلّی از مسجد می‌شود؟

ج – ایجاد حقّ نمی‌کند.
(س۳۳) اگر اعتکاف واجب خود را در
مسجدي به جا آورد و بعداً بفهمد
که اعتکاف در آنجا صحیح نبوده
است، اعتکاف او چه حکمی دارد؟

ج – اعتکافش باطل است.
(س۳۴) حکم حیاط مسجد برای معتکف
چیدست؟ آیا حکم خارج از مسجد را
دارد یا حکم مسجد را؟

ج – حیاط مسجد اگر مسجد
بودن آن احراز نشود،
برای اعتکاف حکم مسجد را
ندارد.

(س۳۵) اگر مسجدي در کنار جاده‌اي
در بیا بان باشد و هر شب جمعه
جمعیت زیادی برای مراسم دعای
کمیل از شهرهای اطراف به آن جا
بیایند، آیا آن مسجد حکم مسجد
جامع را دارا می‌باشد؟

ج – حکم مسجد جامع را

ندارد.

اعتکاف در مساجد

(س ۳۶) در چه مساجدی می‌توان
اعتکاف نمود؟

ج — در مساجد اربعه
می‌توان معتکف شد و نیز
در هر مسجدی که رفت و
آمد در آن زیاد باشد، به
طوری که مسجد جامع محسوب
گردد، به قصد رجا و امید
ثواب و احتمال استحباب
می‌توان معتکف شد.

(س ۳۷) تعریف مسجد جامع چیست؟ ملاک
در تعیین مسجد جامع چیست؟ آیا
ممکن است تعداد مساجد جامع یک
شهر یا روستا متعدد باشد؟ آیا
مساجد جامع ممکن است خیلی به هم
نزدیک باشد؟ آیا در تهران بزرگ
در مسجد جامع هر محله می‌توان
اعتکاف کرد؟ آیا با حکم حاکم،
جامع بودن مسجد معلوم می‌شود؟

ج — مسجد جامع، مسجدی
عمومی است

که محل اجتماع عامّه و
توده مردم
است و اختصاص به اهل یک
محلّ یا گروهی خاصّ یا
زمانی خاصّ نداشته باشد و
ممکن است در یک شهر چندین
مسجد جامع وجود داشته
باشد.

(س ۳۸) آیا اعتکاف در غیرمساجد
جامع؛ مثل نمازخانه و مساجد
دانشگاه، رجاء اشکال دارد یا نه
؟ در صورت صحّت، آیا احکام اعتکاف
از قبیل ترک محرّمات جاری می شود
یا خیر؟

ج - اعتکاف در غیر مساجد
جامع جایز نیست و رجاء
تنها در مسجد جامع جایز
است نه مساجد محلّه و
امکنه معینه دیگر.

(س ۳۹) آیا این عبارت صحیح است ؟
«پشت بام و سرداب و محراب مسجد،
و هر چه به سبب توسعه مسجد بر آن
افزوده شده جزو مسجد به حساب
می آید، مگر آنکه بدانیم جزو مسجد
نیست؛ یعنی در صورت شک، چنین

جاهایی حکم مسجد را دارد.»
ج - آنچه که از سطح مسجد و سرداب و محراب، جزو مسجد بوده تا مادامی که علم به خارج شدن آنها از مسجد بودن نباشد، حکم مسجد را دارد؛ اما آنچه اضافه شده تا یقین به جزو مسجد شدن آنها نباشد حکم مسجد را ندارد.

(س ۴۰) جایی را که انسان نداند جزو مسجد است یا از متعلقات آن، آیا حکم مسجد را دارد؟

ج - برای اعتکاف، حکم مسجد را ندارد.

(س ۴۱) اعتکاف در مکانهایی که شک داریم جزو مسجد است؛ مثل بام، سرداب، حیاط و مقداری که به مسجد افزوده شده، چه حکمی دارد؟

ج - باید یقین به جزو مسجد بودن داشته باشد.

(س ۴۲) آیا اعتکاف در دو مسجد متصل به هم - به طوری که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند - جایز است؟

ج — اگر هر دو مسجد،
مسجد جامع باشند، طبق
ملاکي که در جواب ۳۷ گذشت
مانعي ندارد و الا جايز
نیست.

خروج معتكف از مسجد

(س۴۳) اگر اعتكاف به سبب پیش
آمدن مانعي به هم بخورد:
الف — آیا مي توان همان اعتكاف
را بعد از برطرف شدن مانع در
همان مسجد به پایان برد؟
ب — آیا مي توان آن را در مسجد
ديگري ادامه داد؟

ج — الف — ب — بر فرض
بطلان اعتكاف، از سرگرفتن
اعتكاف مجدد تابع شرايط
خودش مي باشد؛ و اعتكاف
در مسجد ديگر هم اگر
جامع باشد رجااً مانعي
ندارد.

(س۴۴) در چه مواردی معتكف
مي تواند از مسجد خارج شود؟

ج — بیرون رفتن شخص

معتکف از مسجد جهت
کارهای مطلوب و مرغوب
شرعی که متوقف بر خروج
از مسجد است مانعی
ندارد.

(س ۴۵) در چه مواردی واجب است که
معتکف از مسجد خارج شود؟ اگر در
مواردی که واجب است خارج شود ولی
خارج نشود، آیا به اعتکاف او
ضرری می‌زند؟

ج — برای مواردی که
انجام آنها در مسجد ممکن
نیست، نظیر بول و غایط
کردن و غسل جنابت و غسل
استحاضه و مانند اینها،
و اگر در مسجد جنب شود
خروج بر او واجب است و
اگر خارج نشود اعتکافش
باطل است.

(س ۴۶) خارج شدن معتکف از مسجد در
موارد ذیل، چه حکمی دارد؟

۱ — برای وضو و غسل مستحبی و
مسواک زدن.

۲ — جهت تلفن زدن به خانواده در
موارد غیر ضروری و امور متعارف.

۳ - رفتن به بیرون مسجد و حیاط آن.

ج ۱ - مانعی ندارد؛ چون حاجت شرعی است، هر چند ضروری نیست.

ج ۲ و ۳ - باید توجه داشت که جواز خروج از مسجد، منوط به مطلوبیت و مرغوبیت شرعیه است نه هر امری، ولو حاجت دنیویّه هم باشد، چه رسد که آن هم نباشد، و باید بین اعتکاف در مسجد و یا ماندن در خانه و زندگی فرق باشد، و حکمت اعتکاف، دور شدن از مسایل زندگی و ارتباط داشتن بیشتر با خالق است.

(س۴۷) در هنگام خروج در موارد مجاز یا خروج ضروری از محلّ اعتکاف:

الف - آیا می‌توان زیر سایه راه رفت؟ آیا می‌توان در سایه نشست؟
ب - آیا انتخاب نزدیکترین مسیر

واجب است؟

ج - الف - راه رفتن زیر سایه مانعی ندارد، اگر چه بهتر این است که زیر سایه راه نرود، امّا نشستن زیر سایه در صورت امکان جایز نیست.

ج - ب - احتیاط این است که نزدیکترین طریق را انتخاب نماید.

(س ۴۸) در موارد زیر اگر عمداً و از روی اختیار در غیر موارد مجاز از مسجد بیرون رود، اعتکاف او چه حکمی دارد؟

الف - اگر جاهل به حکم باشد.

ب - اگر به سبب فراموشی یا اکراه از مسجد خارج شود.

ج - الف - ب - اگر جاهل به حکم باشد اعتکافش باطل است، امّا اگر به سبب فراموشی یا اکراه از مسجد خارج شود اعتکافش باطل نیست.

(س ۴۹) اگر کسی در مسجد جنب شد آیا می‌تواند در مسجد غسل کند؟

وظیفه او چیست؟

ج - نمی‌تواند، بلکه واجب است از مسجد خارج شود.
(س ۵۰) اگر در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) جنب شود وظیفه او چیست؟

ج - واجب است که تیمم نماید و برای غسل کردن خارج شود.
(س ۵۱) توقف با حال جنابت در مسجد آیا ضرری به اعتکاف می‌زند؟
ج - اعتکاف را باطل می‌کند.

(س ۵۲) خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟
الف - برای وضو،
ب - غسل مستحبی و مسواک زدن،
ج - جهت دیدار با خانواده در بیرون از محدوده مسجد،
د - جهت تلفن زدن به خانواده در موارد ضروری و امور متعارف،
ه - برای شرکت در دروس حوزه و دانشگاه،

و - نماز جماعت یا نماز جمعه.

ج - بیرون رفتن شخص معتکف از مسجد جهت

کارهای مطلوب و مرغوب شرعی که متوقف بر خروج از مسجد است مانعی ندارد، اما باید توجه نماید که بیش از حاجت بیرون نماند و بیرون ماندن به قدری طول نکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد، مثل این که نصف روز بیرون بماند.

(س ۵۳) صحبت با تلفن همراه در داخل مسجد به منظور تماس با خانواده در مدت اعتکاف چه حکمی دارد؟

ج - تماس تلفنی مضرّ به اعتکاف نبوده و مانعی ندارد؛ گرچه تماس با همسر به عنوان لذّت، ترکش مطلوب و مناسب با اعتکاف است.

(س ۵۴) با توجه به غسل مستحبّی روز سوم اعتکاف و عدم وجود محلّ استحمام در داخل مسجد، وظیفه معتکفان چیست؟

ج - اگر می‌تواند بیرون

مسجد غسل را انجام دهد،
خارج شدن از مسجد جهت
غسل، مانعی ندارد؛ چون
خروج برای امری مطلوب
است، لیکن نباید بیش از
حاجت بیرون بماند و
نباید به قدری طول بکشد
که صورت اعتکاف به هم
بخورد، مثل این که نصف
روز بیرون بماند.

(س ۵۵) معتکف در روز سوم اعتکاف
برای غسل مستحبی از مسجد خارج
می‌شود. آیا اعتکاف باطل می‌شود یا
خیر؟ بر فرض بطلان، تنها قضا لازم
است یا کفاره هم لازم می‌باشد؟

ج - خارج شدن از مسجد
جهت غسل مستحبی مانعی
ندارد؛ چون خروج برای
امر مطلوب است، لیکن
نباید بیش از حاجت بیرون
بماند.

(س ۵۶) با توجه به این که محلّ سعی
- بین صفا و مروه - جزو مسجد
نیست، اگر شخصی قصد اعتکاف در
مسجد الحرام را دارد آیا می‌تواند

قبل از اذان صبح در مسجد «تذعیم»
مُحَرِّم شود و بقیه اعمال را در حال
اعتکاف انجام دهد؟

ج - خیر نمی‌تواند.
(س ۵۷) در حین اعتکاف، رفتن به
حیاط مسجد، آبدارخانه، دفتر
مسجد، و دیگر قسمت‌ها و صحبت کردن
و خندیدن چه حکمی دارد؟

ج - هر مسجدي که در آن
اعتکاف صحیح است و همه
مکانهای ذکر شده اگر جزو
مسجد باشد، تغییر مکان و
تحول ذکر شده در سؤال
مضرّ به اعتکاف نیست و
خندیدن و صحبت کردن اگر
جدال و مباحثه برای
کوبیدن طرف نباشد، مبطل
اعتکاف نیست.

(س ۵۸) آیا شخص معتکف می‌تواند
برای شرکت در نماز جمعه از مسجد
محل اعتکاف خارج شود؟

ج - بیرون رفتن شخص
معتکف از مسجد جهت
کارهای مطلوب و مرغوب
شرعی که متوقف بر خروج

از مسجد است مانعی ندارد.

(س ۵۹) با توجه به مشکلاتی که صرف غذا در مسجد دارد آیا صرف غذا در سالن غذا خوری که در محوطه‌ی مسجد است برای معتکفین جایز است؟

ج - هر مسجدی که در آن اعتکاف صحیح است، و همه مکانهای ذکر شده اگر جزو مسجد باشد، تغییر مکان و تحوّل ذکر شده در سؤال مضرّ به اعتکاف نیست.

(س ۶۰) آیا روحانی‌ای که معتکف شده می‌تواند برای امامت جماعت به مسجد دیگری و یا برای مذبر رفتن به محلّ دیگر برود و به محلّ اعتکاف برگردد؟

ج - برای امامت جماعت مانعی ندارد، امّا مذبر رفتن اگر عرفاً ضرورت داشته باشد، مانعی ندارد، و الاً نباید برود.

(س ۶۱) آیا کارمندان و معلمین می‌توانند معتکف شوند و سر کلاس و محلّ کار رفته و سپس به مسجد

برگردند؟

ج - خیر نمی‌توانند.

انصراف از اعتکاف

(س۶۲) آیا در اعتکاف انصراف و رجوع جایز است؟

ج - اگر واجب معین باشد نمی‌توان رجوع کرد، اما اگر واجب موسّع باشد یا مندوب و مستحبّ باشد رجوع قبل از اكمال دو روز اول جایز است، اما روز سوم رجوع جایز نیست.

(س۶۳) آیا انسان می‌تواند از آغاز، هنگام نیت، شرط کند که اگر برایش اتّفاقی افتاد یا مشکلی پیش آمد، اعتکاف را رها کند؛ مثلاً بگوید اگر هوا سرد شد اعتکاف را رها می‌کنم؟ حتّی در روز سوم؟ آیا لازم است اتّفاق یا مشکل خاصّی را در نظر بگیرد؟

ج - آری می‌تواند و لازم نیست عارض خاصّی را در نظر بگیرد.

(س۶۴) آیا در اعتکاف نذری، انسان

می‌تواند هنگام خواندن صیغه نذر شرط کند که اگر مانعی پیش آمد اعتکاف را رها می‌کنم؟

ج - آری می‌تواند.

(س ۶۵) آیا معتکف مجاز است که در هنگام نیت، شرط کند که هر وقت خواست حتی در روز سوم، از اعتکاف برگردد؟ اگر بعد از نیت، حکم شرط خود را ساقط نمود، آیا شرط او ساقط می‌شود یا خیر؟

ج - معتکف می‌تواند هنگام

نیت، چنین شرطی را متذکر

شود، امّا اگر بعداً آن

شرط را اسقاط کرد، ظاهر

این است که این شرط ساقط

نمی‌شود، اگر چه احتیاط

در ترتیب آثار سقوط چنین

شرطی در اكمال دو روز

اول است.

محرمات اعتکاف

(س ۶۶) انجام چه کارهایی در

اعتکاف حرام است؟

ج - پنج چیز بر معتکف

حرام است، لیکن احتیاط
مستحب در ترك همه محرمات
احرام^۱ است:

- ۱- امور شهویّه مربوط به
زنان؛ مانند آمیزش و لمس
کردن و بوسیدن؛
- ۲- استشمام بوهاي خوش و

-
۱. محرمات احرام عبارتند از :
 - الف - محرمات مشترك بين مرد و زن :
 ۱. شكار حيوان صحرایی
 ۲. آمیزش و كامجویی جنسی ۳. عقد ازدواج و گواه شدن بر عقد ازدواج
 ۴. استمنا ۵. استعمال بوي خوش ۶. سرمه كشیدن ۷. نگاه كردن در آينه
 ۸. فسوق ۹. جدال ۱۰. كشتن حشرات ساكن در بدن ۱۱. انگشتر به دست كردن به قصد زينت ۱۲. روغن مالیدن به بدن ۱۳. ازاله مو از بدن خود یا دیگری ۱۴. بیرون آوردن خون از بدن ۱۵. ناخن گرفتن ۱۶. كندن دندان ۱۷. كندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده ۱۸. سلاح در برداشتن.
 - ب - محرمات ویژه مردان : ۱. پوشیدن لباس دوخته ۲. پوشیدن جوراب، چکمه، گیوه و کفش ۳. پوشانیدن سر ۴. سایه قرار دادن بالای سر خود.
 - ج - محرمات ویژه زنان : ۱. پوشیدن زیور به قصد زينت ۲. پوشانیدن صورت.

یاگیا هان خوش بو و لذت
بردن از آنها؛
۳ - استمنا؛

۴ - خرید و فروش، بلکه
مطلق تجارت، بنا بر احوط؛
۵ - مجادله و مباحثه
برای کوبیدن طرف و غلبه
بر او.

(س۶۷) آیا در حال اعتکاف بوییدن
عطریات و گیاهان خوشبو برای لذت
بردن، حرام است یا اگر لذت هم
نبرد جایز نیست؟

ج - اگر برای لذت بردن
باشد حرام است.

(س۶۸) اگر در اعتکاف معامله‌ای
انجام دهد، آیا آن معامله صحیح
است؟

ج - معامله صحیح است،
اگر چه اعتکافش هم باطل
می‌شود.

(س۶۹) آیا در صورت نیاز و ضرورت
می‌توان در اعتکاف خرید فروش کرد؟
آیا در این امور توکیل یا نقل به
غیر جهت بیع، لازم است؛ یعنی به
شخص دیگری وکالت دهد تا از طرف

او خرید و فروش کند یا به غیر
خرید و فروش، مثلاً با قرض یا بخشش
نقل و انتقال کند؟

ج - اگر ضرورت عرفی برای
نفس اعتکاف باشد و توکیل
و یا نقل به غیر بیع
ممکن نباشد، مانعی
ندارد؛ امّا اگر ضرورت
برای غیر اعتکاف باشد
این ضرورت مجوّزی برای
ارتکاب آن نمی‌باشد.

(س ۷۰) اشتغال به امور دنیوی مثل
خیاطی و... در زمان اعتکاف چه
حکمی دارد؟

ج - اگر برای امور دنیوی
باشد باید ترك شود، و
باید بین اعتکاف در مسجد
با ماندن در خانه و
زندگی فرق باشد و حکمت
اعتکاف دور شدن از مسایل
زندگی و ارتباط زیادتر
با خالق است.

(س ۷۱) چه کارهایی باعث باطل شدن
اعتکاف می‌شوند؟

ج - ترك شروط ذکر شده در

جواب سؤال «یک» موجب بطلان اعتکاف است؛ و همچنین انجام بعضی از محرمات مانند جماع و لمس و بوسیدن با شهوت هم باعث فساد و بطلان اعتکاف است.

(س ۷۲) کدام یک از موارد زیر به صحت اعتکاف ضرر می‌زند؟
الف - غضب کردن جای معتکفین،
ب - در حال اعتکاف لباس غصبی پوشیدن،

ج - غضبی بودن زمین مسجد،
د - غضبی بودن فرش مسجد.

ج - اگر چه تصرف در مال غضبی حرام است، اما در کلیه موارد به صحت اعتکاف ضرر نمی‌رسد.

(س ۷۳) ارتکاب کدام یک از محرمات اعتکاف، اعتکاف را باطل می‌کند؟
اگر یکی از محرمات اعتکاف را سهواً مرتکب شود به صحت اعتکاف ضرری وارد می‌کند؟

ج - همه محرمات اگر عمداً انجام گیرد موجب بطلان

اعتکاف نیز هست، اما اگر سهواً انجام گیرد احتیاط در اتمام و قضا اعتکاف واجب معین است، و از سر گرفتن اعتکاف در غیر واجب معین اگر در دو روز اول باشد، و اتمام و از سر گرفتن اعتکاف اگر در روز سوم باشد.

(س ۷۴) اگر زنی را که معتکف است، طلاق رجعی دهند تکلیفش چیست؟ اعتکاف او چه حکمی دارد؟

ج — باید به اعتکافش ادامه دهد و اعتکافش صحیح است.

(س ۷۵) حکم طلاق و ازدواج در حال اعتکاف چیست؟

ج — فی حدّ نفسه مانعی ندارد، اما با توجه به این که احتیاط مستحبّ در ترک محرّمات اِحرام در حال اعتکاف است مکروه است، چون احتیاط در ترک محرّمات اِحرام بود.

(س۷۶) اگر در حال اعتکاف واجب، سهواً یا عمدأ جماع کند، در مورد قضا یا اعاده اعتکاف، تکلیف چیست؟ اگر اعتکاف مستحب باشد حکم چگونه است؟

ج - اگر عمدأ جماع کند اعتکافش باطل است، و اگر واجب معین باشد باید قضا کند، و اگر واجب غیر معین باشد باید اعتکاف را از اول آغاز نماید؛ اگر اعتکاف مستحب باشد و بعد از اكمال دو روز اول باشد باید قضا نماید، و اما اگر قبل از اتمام دو روز اول باشد نباید قضا نماید، و اما اگر سهواً جماع نماید از جواب ۷۳ معلوم شد.

(س۷۷) اگر یکی دیگر از محرمات اعتکاف غیر از جماع را عمدأ یا سهواً انجام دهد و نیز در مورد لمس کردن و بوسیدن با شهوت که از روی سهو باشد، در هر یک از موارد زیر حکم چیست؟

الف - اگر اعتكاف واجب معين باشد،

ب - اگر اعتكاف واجب غير معين باشد،

ج - اگر اعتكاف مستحب باشد و در دو روز اول مرتكب يكي از محرمات مورد سؤال شود،

د - اگر اعتكاف مستحب باشد و در روز سوم مرتكب يكي از محرمات مورد سؤال شود.

ج - فرقي بين جماع و غير آن از محرمات نيست و پاسخ از جواب ۷۳ معلوم است.

(س۷۸) در اعتكاف مستحب اگر روز سوم يكي از مفسدات اعتكاف از شخص سربزند، آيا قضاي آن را بايستي بجا آورد؟

ج - با فرض افساد در روز سوم قضاي آن واجب است. (س۷۹) آيا واجب است كه قضاي اعتكاف را فوراً به جا آورد؟

ج - واجب نيست. (س۸۰) اگر كسي نذر كند ايام معينه را معتكف باشد و از آن ايام معين تخلف نمايد، آيا قضا

بر او واجب است؟

ج - آری قضا بر او واجب است.

(س ۸۱) اگر شخص معتکف در اثنای اعتکاف واجب - به نذر یا مثل آن - بمیرد آیا قضای آن بر ولی او واجب است؟

ج - قضای اعتکاف بر ولی واجب نیست.

(س ۸۲) اگر اعتکاف واجب یا مستحب را با جماع باطل کند، کفّاره بر او واجب است؟ آیا ارتکاب این عمل در شب یا روز، فرقی در حکم ایجاد می‌کند؟ آیا ارتکاب این عمل در دو روز اول یا روز سوم، فرقی در حکم ایجاد می‌کند؟

ج - آری در اعتکاف واجب، کفّاره بر او واجب می‌شود، و اگر در ماه مبارک رمضان و یا قضای روزه رمضان باشد و بعد از زوال باشد، دو کفّاره بر او واجب می‌شود؛ و امّا اگر اعتکاف مستحب باشد و قبل از اتمام دو روز اول

با شد کفّاره واجب نیست،
اگر چه احتیاط مستحبّ در
دادن کفّاره است.

(س۸۳) آیا برای ادای کفّاره،
اولویّتی در موارد کفّاره - آزاد
کردن برده، دو ماه روزه گرفتن،
۶۰ فقیر را اطعام کردن - وجود
دارد؛ یعنی بهتر باشد که مثلاً ۶۰
روز روزه بگیرد و اگر نتوانست
مورد دیگر را انجام دهد؟

ج - اگرچه در کفّاره مخیر
است، امّا احتیاط مستحبّ
در ترتیب کفّاره است.

(س۸۴) آیا باطل کردن اعتکاف به
وسیله جماع و سایر محرّمات، کفّاره
دارد؟ اگر کفّاره دارد، آیا مثل
کفّاره ماه مبارک رمضان است؟

ج - فقط افساد اعتکاف با
جماع، کفّاره دارد و
کفّاره آن مانند کفّاره
ماه رمضان است.

(س۸۵) اگر نذر کند در ماه مبارک
رمضان معتکف شود، سپس در ماه
مبارک رمضان روزه خود را با جماع
باطل کند، چند کفّاره براو واجب
می‌شود؟

ج - سه كفّاره بر او واجب
مي‌شود.

(س۸۶) اگر روزه قضا را در هنگام
اعتكاف واجب بگيرد و سپس روزه
خود را بعد از ظهر باطل كند، چند
كفّاره بر او واجب است؟ اگر
اعتكاف مستحبّ باشد، حكم چگونه
است؟

ج - اگر با جماع باطل
كند دو كفّاره، و با غير
جماع يك كفّاره، و در
اعتكاف مستحبّ فقط يك
كفّاره است.

بخش دوم
در فضیلت ایام البیض

سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه
رجب
و اعمال و آداب اعتکاف

فضیلت ماه رجب و لیالی بیض

ماه رجب از ماه‌های حرام و بسیار پر فضیلت است و رحمت الهی در این ماه بر امت پیامبر فرو می‌ریزد، این ماه، یاد بهترین خلق خدا را در خاطره‌ها زنده می‌کند، یاد پیامبر خداﷺ که بعثت او بهترین هدیه‌ی عالم هستی و عزیزترین آنهاست، در بیست و هفتم این ماه قرار گرفته است.

یاد امیرمؤمنانﷺ که قدوم

مبارک ولادت آن حضرت در سیزدهم ماه از کعبه معظمه، چشم جهانیان را نواخته است. یاد و خاطره غم بار شهادت بابالحوائج حضرت موسی بن جعفر در بیست و پنجم این ماه است.

اینها نمونه‌ای از عظمت و حوادث تاریخی روزهای این ماه شریف است.

بنابراین، از مجموع بیانات نورانی معصومین استفاده می‌شود که این ماه، ماه عبادت و ماه تهذیب نفس و خودسازی و سیروسلوک الی‌الله است و کافی است مؤمنین قدر و منزلت آن را دانسته و به اعمال عبادی این ماه، خصوصاً «ایام البیض» که در قالب اعتکاف مرسوم شده است اقدام نموده و از آن بهره کافی بگیرند.

اما اعمال وارده در لیالی بیض:

شب سیزدهم ماه: امام صادق فرمود:

«خداوند به این امّت سه ماه ارزشمند عطا کرد، که به امّت‌های قبل نداده بود و آن ماه‌ها: رجب، شعبان و ماه رمضان است و سه شب نیز به این امّت عنایت کرد که به امّت‌های پیشین نداده بود و آن شب‌های: سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه است و همچنین سه سوره به این امّت عطا کرد که به امّت‌های سابق نداده بود و آن سوره‌های: «یس»، «مُلک» و «توحید» است، از این رو، هر کس که میان این سه فضیلت جمع کند، میان بهترین عطا‌های این امّت جمع کرده است».

از امام سؤال شد: چگونه می‌توان میان آنها جمع کرد؟
فرمود:

«در شب‌های سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در این سه ماه نماز بخواند؛ به این نحو که:

در شب سیزدهم، دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی پس از سوره ی «حمد» این سه سوره «یس»، «ملک» و «توحید» را بخواند. و در شب چهاردهم، چهار رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند. و در شب پانزدهم، شش رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت به یک سلام) در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند.

امام در فضیلت این نمازها فرمود:

«هر کس چنین کند فضیلت این سه ماه را به دست آورده و خداوند هم‌ه‌ی گناهانش را - جز شرک - می‌آمرزد»^۱.

۱ . اقبال، ص ۶۶۵ .

روز سیزدهم ماه: روز سیزدهم ماه رجب مصادف با ولادت امیرالمومنین علیؑ است و اولین روز از ایام البیض است. روزه گرفتن در این روز، و دو روز بعد، ثواب فراوانی دارد. و هر کس که بخواهد عمل «أم داود» را بجا آورد باید این روز را روزه بگیرد.

روز چهاردهم ماه: روزه گرفتن در این روز پیاداش رسول خداؑ است می‌فرماید:

« هر کس که روز چهاردهم ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند پیاداشی به وی عنایت کند که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلبی خطور کرده باشد!...».

شب نهمه ماه رجب: این شب، شب ارزشمندی است که چند عمل در آن وارد شده است:

۱ . اقبال، ص ۶۵۶ .

۲ . اقبال، ص ۶۵۵ .

اول: غسل.

دوم: شب زنده داري به عبادت که فضیلت بسیار دارد.

سوم: زیارت امام حسین^ع که زیارت آن حضرت در شب و روز نیمه‌ی رجب مورد تأکید قرار گرفته است.

چهارم: شش رکعت نماز بگذارد (هر دو رکعت با یک سلام) و در هر رکعتی «حمد» و «یس» و «ملک» و «توحید» را بخواند.

پنجم: بجای آوردن سی رکعت نماز، که در هر رکعت یک مرتبه «حمد» و ده مرتبه سوره‌ی «توحید» را بخواند، در روایتی از رسول خدا^ص پاداش فراوانی برای این نماز ذکر شده است.

ششم: دوازده رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر رکعت یک بار «حمد» و یک بار «توحید» را می‌خواند و پس از پایان نمازها هر یک از

سوره هاي «حمد»، «فلق»، «ناس»، «توحيد» و «آية الكرسي» و همچنين سوره ي «قدر» را چهار مرتبه ميخواند و پس از آن، چهار مرتبه ميگويد:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
سپس ميگويد: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا
وَمَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ .

اين نماز را «سيد بن طاووس» در كتاب «اقبال» از امام صادق^ع روايت کرده است.
روز نيمه ي رجب: روز مباركي كه در آن چند عمل وارد شده است:

۱. غسل كردن.
۲. زيارت امام حسين^ع. در روايتي از محمد بن ابي نصر نقل شده است كه از امام رضا^ع سؤال كردم: در چه ماهي زيارت امام حسين^ع بهتر است؟ فرمود: «در نيمه ي رجب و نيمه ي شعبان».
۳. بجا آوردن نماز جناب

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۰۷ .

حضرت سلمان^۱.
 ۴. چهار رکعت نماز بگذارد
 (هر دو رکعت به یک سلام) و
 پس از سلام دستهای خود را
 بگشاید و این دعا را
 بخواند:

۱. نماز حضرت سلمان را که رسول
 گرامی اسلام ﷺ به وی آموخت، به این
 نحو است: ده رکعت نماز بجا می‌آوری
 (هر دو رکعت به یک سلام) و در هر
 رکعت، یک مرتبه «حمد»، سه مرتبه
 «توحید» و سه مرتبه «کافرون» را
 می‌خوانی و بعد از سلام نماز، دستها
 را بلند می‌کنی و می‌گویی: «لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
 الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،
 بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛
 معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که
 شریک ندارد، خاص اوست فرمانروایی،
 و مخصوص اوست ستایش، می‌میراند و
 زنده می‌کند، و اوست زنده‌ای که
 نمیرد، هر چه خیر است بدست اوست، و
 او بر هر چیز توانا است، اِلَها
 واحِداً أَحِداً فَزَداً صَمَداً، لَمْ يَتَّخِذْ
 صَاحِبَةً وَلَا وَلَداً؛ آن معبود یگانه
 یکتای فرد بی‌نیازی که نگرفته است
 همدم و نه فرزندی. آنگاه دستها را
 به صورت می‌کشی. البته این نماز در
 روز اول ماه رجب و همچنین در آخر
 این ماه به نحوی که بیان گردید از
 رسول خدا نقل شده است.

اَللّٰهُمَّ يَا مُدَلَّ كُلَّ جَبَّارٍ، وَيَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِيْنَ، اَنْتَ
 كَهْفِيْ حِيْنَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ، وَاَنْتَ بَارِيْ خَلْقِي
 رَحْمَةً بِي، قَدْ كُنْتَ عَنِّ خَلْقِيْ غَنِيًّا، وَلَوْ لَا
 رَحْمَتَكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِيْنَ، وَاَنْتَ مُؤَيَّدِيْ بِالنُّصْرِ
 عَلٰى اَعْدَائِيْ، وَلَوْ لَا نَصْرَكَ اَيُّى لَكُنْتُ مِنَ
 الْمَفْضُوْحِيْنَ، يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا،
 وَمُنْشِئَ الْبِرْكَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، يَا مَنْحَصَّ نَفْسَهُ
 بِالشَّمُوْخِ وَالرَّفْعَةِ، فَاَوْلِيَاوَهُ بَعْرَهُ يَتَعَزَّزُوْنَ، وَيَا
 مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوْكَ نِيْرَ الْمَذَلَّةِ عَلٰى غَنَاقِهِمْ،
 فَهَمُّ مِنْ سَطْوَاتِهِ خَائِفُوْنَ، اَسْنَلِكْ بِكِبْرِيَّتِكَ الَّتِي
 اِسْتَقْفَتْهَا مِنْ كِبْرِيَّاكَ وَاَسْنَلِكْ بِكِبْرِيَّاكَ الَّتِي
 مِنْ عَزَّتِكَ، وَاَسْنَلِكْ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اِسْتَوِيَّتْ بِهَا عَلٰى
 عَرْشِكَ، فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيْعَ خَلْقِكَ، فَهَمُّ لَكَ
 مُذْعَنُوْنَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ.

خدايا اي خوارکننده هر
 ستمکار سرکش و اي عزت
 بخش مؤمنان تویی پناهگاه
 من در آن هنگام که از
 راهها وامانده و تویی که
 از روی مهري که به من
 داشتی به خلقت من دست
 زدي در صورتي که از خلقت
 بي نیاز بودي و اگر مهر
 تو نبود بطور مسلم من در
 زمره نابودان بودم و
 تویی که مرا بوسیله یاری
 دادن بر دشمنانم کمک دهی

و اگر یاری تو نبود بطور
حتم من از رسوایان بودم
ای فرستنده رحمت از
معدنهای آن و ای پدید
آورنده برکت از جاهای آن
ای که مخصوص داشت خود
را به بلندی مقام بر
گرددن نهاده‌اند و از
سطوت‌های او ترسانند از
تو خواهم به حق بود
کردنت که آنرا از کبریای
خود جدایش کردی و از تو
خواهم به حق کبریایت که
آن را از عزت برگرفتی و
از تو خواهم به حق عزت
که بوسیله آن بر عرش
مستولی گشتی و بدان سبب
همه خلق خود را آفریدی و
همه به خدائیت اعتراف
دارند که درود فرستی بر
محمد و خاندانش.

امام صادق^ع از امیرمؤمنان
علی^ع نقل کرده است که:
«هر غم زده و اندوهگینی
این دعا را بخواند،
خداوند متعال اندوه و غم

او را برطرف می‌سازد».^۱
۵. انجام عمل أم داود. به
گفته‌ی علاء مهی مجدسی: «شیخ
صدوق»، «شیخ طوسی» و «سید
بن طاووس» (ره) به سندهای
معتبر آن را نقل کرده‌اند.^۲

سبب نامگذاری «عمل أم داود»

اجمال این روایت و سبب
نامگذاری آن به «أم داود»
چنین است:

جناب فاطمه، مادر داود بن
حسن (نوهی پسری امام حسن
مجتبی^{علیه السلام}) دایه‌ی امام صادق^{علیه السلام}
بود، که فاطمه، امام صادق^{علیه السلام}
را با شیر داود، شیر داده
بود، هذگامی که «محمد بن
عبدالله بن حسن» در مدینه قیام
کرد، «منصور دوانیقی» لشکری
را برای نبرد با آنان
فرستاد که آنها را شکست
دادند و محمد و برادرش

۱. اقبال، ص ۶۵۷.

۲. زاد المعاد، ص ۲۱.

ا براهیم را کشتند، و عبدالله بن حسن و جمعی از سادات را دستگیر نموده و به زندان عراق منتقل کردند، در میان آن گروه «داود» نیز حضور داشت.

مادر داود می‌گوید: چون مدتی از حبس فرزندم گذشت و از او خبری به من نرسید، بسیار پریشان شدم و پیوسته تضرع و دعا می‌کردم و از صلحا و نیکان و برادران دینی برای نجات فرزندم طلب دعا می‌نمودم، ولی نتیجه‌ای نمی‌گرفتم و گاهی خبر کشته شدن داود به من می‌رسید و گاه می‌گفتند که وی زنده است. روز به روز اندوه و مصیبت من بیشتر می‌شد و از دیدار او ناامیدتر می‌شدم. تا آن که شنیدم امام صادق^{علیه السلام} بیمار شده است. به عیادت آن حضرت رفتم، وقتی خواستم برخیزم، امام فرمود: از داود چه خبر داری؟ من وقتی که نام «داود» را

شنیدم، گریستم و گفتم:
فدایت شوم، داود در عراق
زندانی است، من که از دیدار
او نا امیدم! از شما التماس
دعا دارم، او را دعا کنید،
او برادر رضاعی شماست!
امام فرمود: چرا از دعای
«استفتاح» و دعای «اجابت» و
«نجاح» غافل! این دعا،
دعایی است که درهای اجابت
الهی را می‌گشاید و فرشتگان
از آن استقبال می‌کنند و دعا
کننده را به اجابت دعایش،
بشارت می‌دهند و کسی که این
دعا را بخواند، پاداش او
بهشت است.

پرسیدم: این دعا و عمل به
آن چگونه است؟

امام فرمود: ماه رجب
نزدیک شده است و این ماه،
ماهی ارزشمند است و دعاها
در آن به اجابت می‌رسد، در
سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
ماه رجب، روزه بگیر!

امام در ادامه نحوه
اعمال را بیان کرد و فرمود:

این دعا، بسیار شریف و پر ارزش است که مشتمل بر اسم اعظم خداست و هر کس آن را بخواند، حاجت او برآورده می‌شود.

أم داود می‌گوید: آن حضرت، دعا را برای من نوشت، من آن را به خانه بردم و انجام دادم تا آن‌که در شب شانزدهم، پس از افطار و عبادت به خواب رفتم؛ رسول خدا ﷺ را در خواب دیدم، آن حضرت، علاوه بر بشارت بهشت و آمرزش گناهان، خبر آزادی و بازگشت فرزندم را به من داد؛ چند روزی نگذشت که پسرم آزاد شد و با عزت و احترام نزدم بازگشت و جریان آزادی خود و اموری را که سبب آن شد، برای من تعریف کرد.^۱

کیفیت «عمل أم داود»:

۱. زاد المعاد، ص ۲۱ - ۲۴ (با تلخیص و تصرف) و اقبال، ص ۶۵۸.

عمل «أم داؤد» که عمده اعمال و مهمترین اعمال روز نیمیله رجب است و برای برآمدن حاجات و رفع اندوه و غم، حل مشکلات و دفع ظلم ستمگران بسیار مؤثر است، دارای آداب مخصوصی میباشد، از جمله این که:

۱. دعا کننده در روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب را روزه بگیرد

۲. هنگام زوال غسل کند.

۳. نماز ظهر و عصر را بعد از زوال بجا آورد در حالتی که رکوع و سجودش نیکو و در موضع خلوتی باشد که چیزی او را به خود مشغول نسازد و با انسانی هم تکلم نکند.

۴. رو به قبله باشد.

۵. سوره های مخصوص ذیل را به ترتیب بخواند:

۶. الف: هر کدام از سوره «حمد» و «توحید» را صد مرتبه بخواند.

ب: «آیة الكرسي» را ده مرتبه بخواند.

بعد از اینها:
ج: سوره «أنعام» و «اسراء»
و «كهف» و «لقمان» و «يس» و
«صافات» و «فصلت» و «شوري» و
«دخان» و «فتح» و «واقعه» و
«ملک» و «قلم» و «انشقاق» تا
آخر قرآن را تلاوت نماید.

۷. پس از موارد فوق و تلاوت
قرآن، در حالي که رو به
قبله است دعای ام داود را
بخواند. این دعا که از
انفاس قدسي و ملکوتي امام
صادق^ع تراوش نموده است و
شبهات هاي زيادي به دعای
جوشن کبير دارد، از حيث
محتوا داراي دو بخش است:

بخش اول، در برگيرنده
عقاید اسلامي از
جمله: توحيد باري تعالي،
صفات خداوند و نبوت و...
مي باشد.

بخش دوم، در بر دارنده
عرفان ناب شيعه است.

دعای «ام داود»:

صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ، الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ

الْقَيُّومُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ،
 الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ
 السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الْبَصِيرُ الْخَبِيرُ، شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا
 إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ، قَائِمًا
 بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبَلَغَتْ
 رُسُلُهُ الْكُرَامَ وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ، اللَّهُمَّ
 لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْفَخْرُ، وَلَكَ
 الْقَهْرُ وَلَكَ النِّعْمَةُ، وَلَكَ الْعِظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ،
 وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ، وَلَكَ الْبِهَاءُ وَلَكَ
 الْإِمْتِنَانُ، وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ، وَلَكَ
 التَّهْلِيلُ وَلَكَ التَّكْبِيرُ، وَلَكَ مَا يُرَى وَلَكَ مَا لَا
 يُرَى، وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمَوَاتِ الْعُلَى، وَلكَ مَا
 تَحْتَ الثَّرَى، وَلكَ الْأَرْضُونَ السُّفْلَى، وَلكَ الْآخِرَةُ
 وَالْأُولَى، وَلكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ
 وَالشُّكْرِ وَ النِّعْمَاءِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جِبْرِيلَ
 أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَالْقَوَى عَلَى أَمْرِكَ،
 وَالْمُطَاعِ فِي سَمَاوَاتِكَ وَمَحَالِّ كَرَامَاتِكَ،
 الْمُتَّحَمِلِ لِكَلِمَاتِكَ، النَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ، الْمُدْمِرِ
 لِأَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى ميكَائِيلَ مَلِكِ رَحْمَتِكَ،
 وَالْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِينِ لِأَهْلِ
 طَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ،
 وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُنتَظِرِ لِأَمْرِكَ الْوَجِلِ الْمُشْفِقِ
 مِنْ حَيْفَتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ

الطَّاهِرِينَ وَعَلَى السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ الطَّيِّبِينَ،
 وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَعَلَى مَلَائِكَةِ
 الْجِنَانِ، وَخَزَنَةِ النَّيِّرَانِ، وَمَلَكَ الْمَوْتِ
 وَالْأَعْوَانِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى آبِينَا آدَمَ بَدِيعِ فَطْرَتِكَ، الَّذِي كَرَّمْتَهُ
 بِسُجُودِ، وَأَبْحَثَهُ جَنَّتِكَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّنَا
 حَوَاءَ الْمُطَهَّرَةِ مِنَ الرَّجْسِ الْمُصَفَّاتِ مِنَ
 الدَّنَسِ، الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْإِنْسِ، الْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ
 مَحَالِّ الْفُؤُوسِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَابِيلَ وَشِيثَ،
 وَإِدْرِيْسَ وَنُوحَ، وَهُودَ وَصَالِحَ، وَإِبْرَاهِيمَ وَ
 إِسْمَاعِيلَ، وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَيُوسُفَ
 وَالْأَسْبَاطِ، وَلُوطَ وَشُعَيْبَ، وَأَيُّوبَ وَمُوسَى،
 وَهَارُونَ وَيُوشَعَ، وَمِيشَا وَالْخَضِرَ، وَذِي
 الْقَرْنَيْنِ وَيُونُسَ، وَالْيَاسَ وَالْيَسَعَ، وَذِي الْكُفْلِ
 وَطَالُوتَ، وَدَاوُدَ وَسَلْيَمَانَ، وَزَكَرِيَّا وَشُعْيَا،
 وَيَحْيَى وَثُورَخَ، وَمَتَّى وَإِرْمِيَا، وَحَيْقُوقَ
 وَدَانِيَالَ، وَعَزِيرَ وَعَيْسَى، وَشَمْعُونَ وَجَرَجِيْسَ،
 وَالْحَوَارِيِّينَ وَالْأَتْبَاعَ، وَخَالِدَ وَحَنْظَلَةَ وَلَقْمَانَ،
 اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا
 وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا
 صَلَّيْتَ وَرَحِمْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ
 إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 الْأَوْصِيَاءِ وَالسُّعْدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأئِمَّةِ الْهُدَى،

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْلَادِ، وَالسِّيَاحِ
 وَالْعِبَادِ، وَالْمُخْلِصِينَ وَالزَّهَّادِ، وَأَهْلِ الْجِدِّ
 وَالْإِجْتِهَادِ، وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ
 وَرَدِّهِ فَضْلًا وَشَرَفًا وَكِرَامًا، حَتَّى تُبَلِّغَهُ أَعْلَى
 دَرَجَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ،
 وَالْأَفْضَلِ الْمُقَرَّبِينَ، اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى مَنْ
 سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ أَسْمِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ،
 وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَأَوْصِلْ صَلَوَاتِي إِلَيْهِمْ
 وَإِلَى أَرْوَاحِهِمْ وَاجْعَلْهُمْ إِخْوَانِي فِيكَ وَأَعْوَانِي
 عَلَى دُعَائِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ،
 وَبِكِرْمِكَ إِلَى كِرْمِكَ، وَبِجُودِكَ إِلَى جُودِكَ، وَ
 بِرَحْمَتِكَ إِلَى رَحْمَتِكَ، وَبِأَهْلِ طَاعَتِكَ إِلَيْكَ،
 وَأَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ، مِنْ
 مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ، وَبِمَا دَعَوْتُكَ بِهِ مِنْ
 دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ
 يَا حَلِيمُ، يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ، يَا
 جَمِيلُ يَا كَفِيلُ، يَا وَكِيلُ يَا مُقِيلُ، يَا مُجِيرُ يَا
 خَبِيرُ، يَا مُنِيرُ يَا مُبِيرُ، يَا مَنِيْعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ،
 يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ، يَا بَصِيرُ يَا َكُورُ، شَيْءَ بَرُّهُ يَا
 طَهْرُ، يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ، يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ، يَا
 سَاتِرُ يَا مُحِيطُ، يَا مُقْتَدِرُ يَا حَفِيْظُ، يَا مُتَجَبِّرُ يَا
 قَرِيبُ، يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ يَا مَجِيدُ، يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ
 يَا شَهِيدُ، يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمَلُ، يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ،

يا قابضُ يا باسطُ، يا هادي يا مُرسلُ يا مُرشدُ،
 يا مُسدِّدُ يا مُعطي، يا مانعُ يا دافعُ، يا رافعُ، يا
 باقي يا واقِي، يا خلاقُ يا وهَّابُ يا تَوَّابُ، يا
 فَتَّاحُ يا نَفَّاحُ يا مُرتاحُ، يا مَنْ بيدهِ كُلُّ مِفْتَاحِ، يا
 نَفَّاعُ يا رَوْفُ يا عَطوفُ، يا كافي يا شافي، يا
 مُعافي يا مُكافي، يا وَفي يا مُهيمنُ، يا عَزيزُ يا
 جَبَّارُ يا مُتَكَبِّرُ، يا سَلامُ يا مُؤمِنُ، يا أَحَدُ يا
 صَمَدُ، يا نُورُ يا مُدبِّرُ، يا فَرْدُ يا وَترُ، يا قُدُّوسُ
 يا ناصرُ، يا مُونسُ يا باعثُ يا وارثُ، يا عالمُ يا
 حاكمُ، يا بادي يا مُتعالِي، يا مُصَوِّرُ يا مُسَلِّمُ يا
 مُتَحَبِّبُ، يا قائمُ يا دائمُ، يا عَلِيمُ يا حَكِيمُ، يا جِوادُ
 يا باريُّ، يا بارِئُ يا سارُّ، يا عدلُ يا فاصلُ، يا
 دَيَّانُ يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ، يا سَمِيعُ يا بَدِيعُ يا خَفِيرُ،
 يا مُعِينُ مُغَيِّرُ ياناشِرُ، يا عافِرُ يا قديمُ، يا مُسَهِّلُ
 يا مُيسِّرُ، يا مُمِيتُ يا مُحيي، يا نافعُ يا رازِقُ، يا
 مُقْتَدِرُ يا مُسَبِّبُ، يا مُغيثُ يا مُغني، يا مُقني يا
 خالقُ يا راصِدُ، يا واحدُ يا حاضرُ، يا جابرُ يا
 حافظُ، يا شديدُ يا غياثُ، يا عائِدُ يا قابِضُ، يا
 مَنْ عَلا فَاسْتَعَلِي، فَكانَ بِالْمَنْظَرِ الأَعلى، يا مَنْ
 قَرَبَ قَدنا، وَبَعَدَ فَنَيا، وَعَلِمَ السِّرَّ وَأَخْفى، يا مَنْ
 إِلَيهِ التَّدْبِيرُ وَلَهُ المَقاديرُ، وَيَيا مَنْ العَسيرُ عَلَيهِ
 [سَهْلُ] يَسيرُ، يا مَنْ هُوَ يَشاءُ قَدِيرُ، يا مُرسلُ
 الرِّياحِ، يا فالِقُ الأَصباحِ، يا باعثُ الأزواجِ، يا

ذَا الْجُودِ وَالسَّمَّاحِ يَا رَادَّ مَا قَدَفَاتِ، يَا نَاشِرَ
 الْأَمْوَاتِ، يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ
 [بِغَيْرِ حِسَابٍ]، وَيَا فَاعِلَ مَا يَشَاءُ كَيْفَ يَشَاءُ،
 وَيَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ، يَا حَيَّ يَا قَيُّوْمَ، يَا حَيًّا
 حِينَ لَا حَيَّ، يَا حَيَّ يَا مُخَيِّ الْمَوْتَى، يَا حَيَّ لَا
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا إِلَهِي
 وَسَيِّدِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ
 مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحَّمْتَ عَلَى
 إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَارْحَمْ
 ذُلِّي وَفَاقَتِي وَفَقْرِي، وَأَنْفِرَادِي وَوَحْدَتِي،
 وَخُضُوعِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَعْتِمَادِي عَلَيْكَ،
 وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَاضِعِ الذَّلِيلِ،
 الْخَاشِعِ الْخَائِفِ، الْمُسْتَفِيقِ الْبَائِسِ، الْمُهِينِ
 الْحَقِيرِ، الْجَائِعِ الْفَقِيرِ، الْعَانِدِ الْمُسْتَجِيرِ، الْمَقْرَّ
 بِذَنْبِهِ، الْمُسْتَغْفِرَ مِنْهُ، الْمُسْتَكِينِ لِرَبِّهِ، دُعَاءَ
 مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَّتُهُ، وَرَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ، وَعَظَمَتْ
 فَجِيعَتُهُ دُعَاءَ حَرِيقِ حَزِينِ، ضَعِيفِ مَهِينِ، بَائِسِ
 مُسْتَكِينِ بِكَ مُسْتَجِيرِ، اللَّهُمَّ وَأَسْئَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ،
 وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، وَأَنَّكَ عَلَى مَا
 تَشَاءُ قَدِيرٌ، وَأَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الشَّهْرِ الْحَرَامِ،
 وَالْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالرُّكْنِ وَالْمَقَامِ
 وَالْمَشَاعِرِ الْعِظَامِ، وَبِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ

السَّلَامُ، يَا مَنْ وَهَبَ لِأَدَمَ شَيْئًا، وَ لِإِبْرَاهِيمَ
 إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ، وَ يَا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلَى
 يَعْقُوبَ، وَ يَا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلَاءِ ضُرَّاءَ أَيُّوبَ،
 يَا رَادَّ مُوسَى عَلَى أُمِّهِ، وَ زَائِدَ الْخَضِرِ فِي
 عِلْمِهِ، وَ يَا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمَانَ، وَ لِزَكَرِيَّا
 يَحْيَى، وَ لِمَرْيَمَ عِيسَى، يَا حَافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَ يَا
 كَافِلَ وُلْدِ أُمِّ مُوسَى، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا
 وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا، وَ تَجِيرَنِي
 مِنْ عَذَابِكَ، وَ تَوْجِبَ لِي رِضْوَانَكَ، وَ أَمَانَتَكَ
 وَ إِحْسَانَكَ، وَ غَفْرَانِكَ وَ جَنَاتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَفُكَّ
 عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي، وَ تَفْتَحَ لِي
 كُلَّ بَابٍ، وَ تُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ، وَ تُسَهِّلَ لِي كُلَّ
 عَسِيرٍ، وَ تُخْرِسَ عَنِّي كُلَّ نَاطِقٍ بِشَرٍّ، وَ تَكْفِ
 عَنِّي كُلَّ بَاغٍ، وَ تَكْتِبَ عَنِّي كُلَّ عَدُوٍّ لِي وَ حَاسِدٍ،
 وَ تَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظَالِمٍ وَ تَكْفِينِي كُلَّ عَانِقٍ يَحُولُ
 بَيْنِي وَ بَيْنَ حَاجَتِي، وَ يُحَاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي
 وَ بَيْنَ طَاعَتِكَ، وَ يُثَبِّطَنِي عَنِ عِبَادَتِكَ، يَا مَنْ
 أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ، وَ فَهَرَ عَتَاةَ الشَّيَاطِينِ،
 وَ أَدَلَ رِقَابَ الْمُتَجَبِّرِينَ، وَ رَدَّ كَيْدَ الْمُتَسَلِّطِينَ
 عَنِ الْمُسْتَضْعَفِينَ، أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا
 تَشَاءُ، وَ تُسَهِّلُكَ لِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ، أَنْ تَجْعَلَ
 قَضَاءَ حَاجَتِي فِيمَا تَشَاءُ.

درست فرمود خدای بزرگی که
معبودی جز او نیست زنده و
پاینده و صاحب جلال و
بزرگواری است بخشاینده و
مهربان بردبار و کریم است
آنکه ماندش چیزی نیست و
او شنوا و دانا و بینا و
آگاه است، گواه است خدا که
معبودی جز او نیست و
فرشتگان و دانشوران گواهی
داده‌اند که خدایی جز او
نیست که عدالت بدو پایدار
است و او عزیز و حکیم است و
پیمبران بزرگوارش نیز آنرا
به مردم رساندند و من بر
این مطلب گواهی دهم خدایا
از آن تو است ستایش و از آن
تو است مجد و برای تو است
عزت و خاص تو است افتخار و
شایسته تو است قهر و سطوت و
مخصوص تو است نعمت از آن
تو است عظمت و مخصوص تو است
رحمت و برای تو است شکوه و
خاص تو است سلطنت و از آن
تو است درخشندگی و مخصوص تو
است نعمت بخشی و برای تو

است پاکی و از آن تو است
پاکیزگی و برای تو است
یکتایی و مخصوص تو است
بزرگی و ملک تو است آنچه
دیده شود و آنچه دیده نشود
و از تو است آنچه بالای
آسمانهای بلند است و از تو
است آنچه زیر زمین است و از
تو است زمینهای زیرین و از
آن تو است دنیا و آخرت
و مخصوص تو است آن و حمد
و ثنا و شکری که تو بپسندی
و آنچه نعمت است نیز از تو
است خدایا درود فرست
برجبرئیل امین بر وحی تو و
نیرومند در کار تو و آنکس که
در آسمانها و جایگاههای
کرامتها یت فرمانش برند آن
کس که سخنان تو را برساند
یاور پیمبرانت و سرنگون
کننده دشمنانت خدایا درود
فرست بر میکائیل فرشته
رحمتت و آفریده شده برای
بردن مهرت و آمرزش خواه و
کمک کار فرمانبرانت خدایا
درود فرست بر اسرافیل حمل

کننده عرشت و صاحب صور آنکه
چشم به راه دستور تو است و
نگران و بیمناک است از ترس
تو خدایا درود فرست بر
حاملین پاکیزه عرش و بر
سفیران گرامی و آن نیکان
پاک و بر فرشتگان بزرگوار و
نویسنده و بر فرشتگان بهشت
و نگهبانان دوزخ و فرشته
مرگ و کمک کارانش ای صاحب
جلالت و بزرگواری خدایا درود
فرست بر پدر ما آدم
پدیده خلقت که گرامیش داشتی
به سجده کردن فرشتگان و
مباح کردی بر او بهشتت را
خدایا درود فرست بر مادر ما
حواء که از پلیدی پاک و از
چرکی و آلودگی مصفا گشت و
از میان آدمیان برتری داشت
و در میان جایگاههای قدسیان
رفت و آمد کرده خدایا درود
فرست بر هابیل و شیث و
ادریس و نوح و هود و صالح و
ابراهیم و اسماعیل و اسحاق
و یعقوب و یوسف و اسباط
(یعقوب) و لوط و شعیب و

ایوب و موسی و هارون و یوشع
و میشا و خضر و ذی القرنین
و یونس الیاس و الیسع و ذا
الکفل و طالتوت و داود و
سلیمان و زکریا و شعیا و
یحیی و تورخ و متی و ارمیا
و حیدقوق و دانیال و عزیز و
عیسی و شمعون و جرجیس و
حواریین عیسی و پیروانشان و
خالد و حنظله و لقمان خدایا
درود فرست بر محمد و آل
محمد و رحمت فرست بر محمد و
آل محمد و برکت فرست بر
محمد و آل محمد چنانچه درود
فرستادی بر و رحمت و برکت
فرستادی بر ابراهیم و آل
ابراهیم که بر راستی تویی
ستوده و بزرگوار خدایا درود
فرست بر اوصیاء و اهل
سعادت و شهیدان و امامان
راهنما خدایا درود فرست بر
ابدال (دسته‌ای از صلحاء) و
اوتاد و سنیاحان و
پرستش‌کنندگان و مخلصان و
پارسایان و اهل جدیت و کوشش
و مخصوص گردان محمد و

خاندانش را به بهترین
درودهایت و فراوانترین
کرامتهایت و به روح و جسدش
از جانب من تحیت و سلامی
برسان و فضل و شرافت و
بزرگواریش را فزون کن به
حدی که او را به اعلی درجه
اهل شرافت از پیمبران و
رسولان و فاضلان مقربت برسانی
خدایا درود فرست بر هرکس که
من نام بردم و هرکه از
فرشتگان و پیمبران و رسولان
و فرمانبرداران است که من
نام نبردم و درودهای مرا
بر ایشان و بر ارواحشان
برسان و آنان را برادران
من در دین و کمک کارانم در
دعای به درگاهت قرار ده
خدایا من شفیع گردانم تو را
پیش خودت و کرمت را پیش
کرمت و جودت را پیش جودت و
رحمتت را پیش رحمتت و اهل
طاعتت را پیش درگاهت و از
تو خواهم خدایا به هرچه یکی
از آنها بوسیله آن تو را
خواسته از سؤالهای شریفی

که برنگشته و به آنچه تو را
خوانده اند از دعای پذیرفته
شده ای که به نومیدي نکشیده
ای خدا ای بخشاینده ای
مهربان ای بردبار ای کریم
ای بزرگ ای با جلالت ای
بخشنده ای زیبا ای سرپرست
ای وکیل ای نادیده گیر ای
پناهنده ای آگاه ای روشنی‌ده
ای نابود کن ای علی ما
والامقام ای چرخاننده ای
جابجا کننده ای بزرگ
ایتوانا ای بینا ای شکرپذیر
ای نیکوکار ای پاک ای
پاکیزه ای قاهر ای پیدا ای
پنهان ای پرده پوش ای
احاطه دار ای با اقتدار ای
نگهبان ای دارای بزرگی ای
نزدیک ای محبوب همه ای
ستوده ای بزرگوار ای
پدیدآورنده ای بازگرداننده
ای گواه ای احسان‌بخش ای
نیکو‌بخش ای نعمت‌بخش ای
زیاده‌بخش ای گیرنده ای
گشایش‌ده ای راهنما ای
فرستنده ای رهنمون ای

محکم‌کننده اي دهنده اي
منع‌کننده اي جلوگیری اي
بلند کننده اي باقی اي
نگهدار اي آفریننده اي
بخشش‌پیشه اي توبه پذیر اي
گشاینده اي زیاده بخش اي
رحمت بخش اي که بدست او است
هر کلید اي سوردستان اي
مهربان اي با عطوفت اي
کفایت کننده اي در مان بخش
اي بهبودي بخش اي پاداش
دهنده اي با وفا اي نگهبان
خلق اي با عزت اي جبار اي
بزرگوار اي سلامت بخش اي
ایمنی بخش اي یکتا اي بی‌نیاز
اي نور اي مدبر کارها اي
یگانه اي تنها اي پاکیزه اي
یاور اي همدم اي برانگیزنده
اي ارث‌برنده اي دانا اي حکم
کننده اي آغازکننده اي
برتر اي صورت بخش اي سلامت
بخش اي دوستی‌ورز اي قائم به
کار خلق اي جاویدان اي دانا
اي فرزانه اي بخشنده اي
آفریننده اي نیکوکار اي
شادی بخش اي دادگستر اي

جداکننده اي جزاده اي
نعمتبخش اي عطابخش شنوا
اي پديدآرنده اي پناهده اي
ياور اي نشردهنده اي
آمرزنده اي قديم اي آسان
کننده اي هموارکننده اي
ميراننده اي زندهکننده اي
سودده اي روزيده اي بسا
اقتدار اي سببساز اي
فريادرس اي بنيازکننده اي
دارايدهنده اي آفريننده اي
نگهبان اي يگانه اي حاضر اي
جبرانکننده اي نگهدار اي
استوار اي فريادرس اي
ثروتده اي گيرنده اي که
والايي و برتري و بهديدگاه
اعلايي اي که نزديکي و بسيار
هم نزديک و دور است و بسيار
هم دور داناي سر و نهان اي
که تدبير امور با او است و
اندازه ها از او است و اي که
دشوار براي او سهل و آسان
است اي که بر هرچه بخواهد
توانا است اي فرستنده بادها
اي شکافنده سپيده صبح اي
برانگيزاننده ارواح اي صاحب

جود و سخاوت اي برگرداننده
آنچه از دست رفته اي
زننده‌کننده مردگان اي
گردآورنده پراکنده‌ها اي
روزي ده بي‌حساب بهر که خواهي
و اي انجام دهنده هرچه
بخواهي بهرطور که خواهي و اي
صاحب جلالت و بزرگواري اي
زنده اي پاينده اي زنده در
آن هنگام که زنده اي نبود اي
اي زنده کن مردگان اي زنده
که معبودي جز تو نيست
ديدارنده آسمانها و زمين اي
معبود من و آقاي من درود
فرست بر محمد و آل محمد و
رحمت فرست بر محمد و آل
محمد وبرکت ده بر محمد و آل
محمد چنانچه درود فرستادي و
برکت دادي و رحمت فرستادي
بر ابراهيم و آل ابراهيم که
براستي تويي ستوده و
بزرگوار و رحم کن به خواري
من و پي‌چارگيم و نداريم و
تک و تنهاييم و فروتنيم در
برابرت و اعتمادي که بر تو
دارم و زاريم به درگاہت تو

را خوانم خواندن شخص فروتن
 خوار خاشع ترسان هراسان
 پریشان بی‌مقدار کوچک‌گرسنه
 فقیر پناهنده پناه خواه
 معترف به گناه آمرزش‌خواه از
 گناه درمانده و زاری‌کننده
 به‌درگاه پروردگار و خواندن
 شخصی که یاران مورد اعتمادش
 او را واگذارده و دوستانش
 او را رها کرده و درد
 جانسوزش بزرگ‌گشته خواندن شخص
 دلسوخته غمگین ناتوان
 بی‌مقدار پریشان‌درمانده‌ای
 که به تو پناه آورده خدایا
 از تو خواهم چون تویی
 فرمانروا و تو چنانی که
 هر کاری را بخواهی می‌شود و
 تویی که بر هر چه بخواهی
 توانایی و از تو خواهم به
 حرمت این ماه محترم و خانه
 محترم (کعبه) و شهر محترم
 (مکه و رکن و مقام و
 مشعرهای بزرگ) جاهای مناسک
 حج) و به حق پیامبرت محمد
 علیه و آله السلام ای که شیث
 را به آدم بخشیدی و اسماعیل

و اسحاق را به ابراهیم دادی
و ای که یوسف را به یعقوب
برگرداندی و ای که پس از
مبتلا شدن ایوب ناراحتیش را
برطرف کردی ای که موسی را
به مادرش برگرداندی و دانش
خضر را افزون کردی ای که
دادی به داود سلیمان را و
به زکریا یحیی را و به مریم
عیسی را ای نگهدار دختر
شعیب ای کفالت کننده فرزند
مادر موسی از تو خواهم که
درود فرستی بر محمد و آل
محمد و گناهام را بیامرزی
و از عذاب خود مرا در
پناهگیری و مرا مستوجب
خوشنودی و ایمنی و احسان و
آمرزش و بهشتت قرار دهی و
از تو خواهم که باز کنی
برایم هر حلقه‌ای که میان من
و میان آزار کننده من است و
بگشایی به رویم هر دری را و
نرم کنی برایم هر دشواری را
و آسان کنی برایم هر مشکلی
را و لال کنی از من زبان هر
بدگو را و بازداری از من هر

زورگو را و خوار کني دشمنان
 و حسودان مرا و بازداري از
 من هر ستمگري را و کفایت
 کني از من هر مانعي را که
 میان من و حاجتم حائل شود و
 بخواهد که میان من و اطاعت
 تو را جدایی اندازد و از
 پرستش تو بازماند ای که
 مهار کردی جنیان نافرمان را
 و مقهور ساختی شیاطین سرکش
 را و گردن گردن‌کشان را به
 خواری کشاندي و نقشه‌هاي شوم
 مسلط شدگان را از ناتوانها
 بازگرداندي از تو خواهم به
 حق تواناییت بر هرچه خواهی
 و آسان کردن هرچه را بهر
 نحو که خواهی که قرار دهی
 بر آوردن حاجتم را در هرچه
 خواهی.

آنگاه سجده کن بر زمین و
 دو طرف صورت خود را روی خاک
 (روی مهر) بگذار و بگو:

**اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ أَمَنْتُ، فَارْحَمْ ذُلِّي
 وَفَاقَتِي، وَاجْتِهَادِي وَتَضَرُّعِي، وَمَسْكَنتِي
 وَفَقْرِي إِلَيْكَ يَا رَبِّ.**

خدایا برای تو سجده می‌کنم

و به تو ایمن دارم پس رحم
کن به خواری من و نداریم و
سعی و کوشش و زاری و
بیچارگی ام و نیازم به
درگاہت ای پروردگار.